



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی راهکارهای ایجادانگیزه آموزش و یادگیری در دانش آموزان

حوا عبدالهی دادکان^۱، آسیه دامنی^۲، نورمحمد بلوچ شمیلی^۳، شیرمحمد بلوچ شمیلی^۴، زهره امیرزهی^۵

۱-فوق دیپلم علوم تربیتی

۲-فوق لیسانس روان شناسی،مدیر مرکز اختلالات و مشکلات ویژه یادگیری

۳-لیسانس زبان و ادبیات فارسی

۴-لیسانس مدیریت بازرگانی،گرایش بنادر گشتیرانی

۵-لیسانس آموزش ابتدایی

چکیده

آنچه در رشد آموزشی حرف اول را می زند، انگیزه ی تحصیلی دانش آموزاست که می بایست توسط خانواده و مدرسه تقویت شود چرا که انگیزه عامل مهمی در یادگیری، کسب مهارت و نهایتاً موفقیت تحصیلی دانش آموزان می باشد موقعیت و شرایط محیط آموزشی از جمله عواملی است که با انگیزش دانش آموزان ارتباط نزدیک دارد. معلم مهمترین نقش را در آموزشگاه ایفا می کند و چگونگی عملکرد دانش آموز به رفتار معلم بستگی دارد. برای معلم انگیزش دانش آموز به این سبب که هم در حکم هدف و هم به منزله ی وسیله ی پیشرفت های بعدی در سایر زمینه های تربیتی است اهمیت زیادی دارد اگرچه در بیشتر کلاسهای درس می توانیم هم انگیزش بیرونی و هم انگیزش درونی را مشاهده کنیم، اما وجه غالب با انگیزش بیرونی است. البته نشانه های انگیزش درونی نیز در مدارس یافت می شود. دانش آموزان می توانند دارای انگیزه درونی باشند و معلمان هم-می باید درکنار انگیزش بیرونی به انگیزش درونی توجه کنند و با روش هایی چون مرتبط کردن تکالیف درسی باعلاق دانش آموزان و زندگی، استفاده کردن از روش های نوین تدریس، خلق فرصت هایی برای رشد و خود مختاری، ایجاد فضای یادگیری مثبت و حمایت عاطفی از دانش آموزان می توان انگیزه ی تحصیلی دانش آموزان را افزایش داد

کلمات کلیدی: انگیزه ، انگیزش، یادگیری، پیشرفت تحصیلی



مقدمه

آموزش و یادگیری، از دید باز نقش اساسی در تداوم و بقای جوامع بشری ایفا کرده است. رشد و توسعه جوامع بشری بدون توجه به آن امکان پذیر نمی باشد. و به همین خاطر همه ساله سرمایه های هنگفتی صرف آموزش و پرورش نسل نو خواسته هر کشوری می شود.

آنچه در آموزش و پرورش بیش از همه دارای اهمیت است یکی رشد طبیعی یا رسش و دیگری انگیزش و ترکیبی از آنهاست زیرا در پرتو این عوامل است که دگرگونی های شاگردان ایجاد میشود منظور از رشد طبیعی تواناییها و پیشرفتهای تازه ای است که بر اثر گذشت زمان ((از یک مرحله سنی به مرحله دیگر)) در فرد پدید می آید و او را به انجام دادن کارهایی توانا می سازد که پیش از آن از عهده آن بر نمی آمد اما منظور از انگیزش عوامل محیطی مؤثر در ایجاد حرکت و نیروی درونی است که محرک واقعی فرد برای آموزش و یادگیری تلقی می شود که در برنامه آموزشی باید هر دو عامل یعنی رشد طبیعی و نیروهای انگیزشی درونی و بیرونی مد نظر قرار گیرند تا برنامه یادگیری به نحو شایسته ای تحقق یابد بر خلاف رشد طبیعی ، چندان که با تغییر رفتار موجود زنده از لحاظ عوامل بیرونی یا محیطی ارتباط دارد با وراثت و عوامل درونی ارتباط ندارد.

در واقع در یادگیری علاوه بر روابط محرک پاسخ مسا ئلی مانند بینش، کیفیت رفتار ادراک انگیزش یا ترکیب آنها با یکدیگر مطرح است

بیان مسئله

ضرورت دستیابی به فرهنگ غنی و تربیت انسانهای فرهیخته از جمله محورهایی است که جامعه را به آموزش و پرورش پویا محتاج کرده است. جامعه همواره در حال تغییر و تحول است و شاید یکی از اصولی که برای همیشه ثابت و لایتغیر است اصل تغییر و دگرگونی است که این امر در مسائل اجتماعی و فرهنگی بیشتر رخ می نماید.

از این رو راهکارها و روشهایی که قبلا برای آموزش و یادگیری بکار می رفت الزاما ثابت و تغییر ناپذیر نیستند و چه بسا تجدید نظر و اتخاذ روشهای آسانتر و کاربردی را می طلبد و از طرف دیگر با عنایت به اینکه یکی از شاخصهای توسعه نیروی انسانی ، تربیت انسانهای فرهیخته و کارآمد در زمینه های مختلف علمی و تکنولوژیکی است اهمیت قضیه دو چندان می شود .

با عنایت به اینکه یکی از مشکلات که هم اکنون از سوی صاحبان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت و اولیای دانش آموزان مطرح میباشد این است که دانش آموزان انگیزش لازم را جهت یادگیری مطلوب از خود نشان نمی دهند چنانکه این مسئله در اکثر صورتجلسات شورای معلمان مدارس یا در مراجعه تعدادی از اولیای دانش آموزان به هسته های مشاوره ادارات آموزش و پرورش و همچنین در جلسات مدیران واحدهای آموزشی به کرات طرح میشود بی شک این مشکل هم مانند دیگر مسائل و مشکلات ریشه ها



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

و علت‌های متعددی دارد که با شناخت آنها می‌توان راه‌های مناسب یادگیری و ایجاد انگیزه را در جوانان در امر تحصیل و هدایت آنان بر اساس انگیزه‌های شناسایی شده می‌تواند نقش عمده‌ای در باروری استعداد‌های نسل نو خواسته ایفا نمود بنابراین در این تحقیق راه‌های ایجاد انگیزه بیشتر در دانش آموزان دوره متوسطه جهت یادگیری بهتر مورد بررسی قرار می‌گیرد

اهمیت تحقیق

یکی از شرایط لازم برای اقتصادی مناسب و پویا، وجود آموزش پایه فراگیر است. تجارب کشورهای توسعه یافته در دهه‌های گذشته مبین این واقعیت است که بر سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش پایه ارتباط معناداری با بهره‌وری اقتصادی دارد بر این اساس در تمام کشورهای دنیا متناسب با توان اقتصادی آنان در راه توسعه آموزش و پرورش و رشد دانش و آگاهی‌های فکری سرمایه‌گذاری می‌شود و مبالغ قابل توجهی از بودجه سالانه کشورها به تعلیم و تربیت اختصاص می‌یابد که قسمت اعظم آن بدون اینکه به تحقق هدف مورد نظر که همان یادگیری بهتر و نهایتاً بهبود کیفیت آموزشی و ارتقاء سطح توسعه جامعه در زمینه‌های صنعت، کشاورزی، دامداری و تکنولوژی و... می‌باشد به هدر می‌رود. در کشور ما برای تعلیم و تربیت رسمی این قشر عظیم بودجه هنگفتی از امتیازات سالانه کشور صرف می‌شود و این بودجه با افزودن مشارکتهای مردمی باز هم بیشتر می‌شود. بنابراین به منظور جلوگیری از به هدر رفتن منابع و سرمایه‌های ملی جامعه و ائتلاف وقت دانش آموزان در فرآیند یادگیری و همچنین ارتقاء دانش و آگاهی که مهمترین توسعه نیروی انسانی جامعه به شمار می‌روند این پژوهش انجام می‌شود تا از این رهگذر قدمی مؤثر در راه توسعه آموزش و پرورش برداشته و به تبع آن در توسعه جامعه مؤثر باشیم.

اهداف تحقیق

هدف کلی پژوهش حاضر شناخت راه‌های بهتر یادگیری و ایجاد انگیزه بیشتر در فراگیران و همچنین شناخت میزان رابطه بعضی از متغیرهای اثرگذار در یادگیری است

انگیزه و انگیزش:

مطالعه انگیزش به چرای رفتار مربوط می‌شود. انگیزه چیزی است که شخص را به عمل وادارمی‌سازد و یا حداقل تمایل به رفتاری خاص را در او به وجود می‌آورد.

انگیزه به حالت‌های درونی ارگانیزم که موجب هدایت رفتار به سوی هدف می‌شود اشاره می‌کند (مورگان و همکاران ۱۹۸۴)

در تعاریف گوناگون انگیزش، غالباً با واژه‌هایی نظیر میل، خواست، آرزو، هدف، نیاز، انگیزه و داعیه مواجه میشود. رایجترین آنها در روانشناسی مفهوم ((انگیزه)) است.

انگیزه یک موضع روانی است که رفتار را در جهت هدف یا هدف‌هایی نیرو می‌دهد، فعال می‌سازد به حرکت در می‌آورد، هدایت می‌کند و بالاخره آنرا در مسیر هدف قرار می‌دهد.

به طور کلی انگیزش را می‌توان به عنوان نیروی محرک انسان و عامل جهت دهنده آن تعریف کرد.



دیدگاه‌های جدید و بسط مفهوم انگیزش

در دیدگاه‌های جدید مفهوم انگیزش به پنج مقوله تقسیم گردیده است. بر اساس نوشته های مارشال ریو (۱۹۹۷) پژوهش در حال حاضر در پنج زمینه گسترده بسط یافته و مورد بررسی قرار می گیرد که هر یک از آنها به نحوی به مطالعه مجموعه مجزای عامل تعیین کننده علت و معلولی رفتار می پردازد و این پنج زمینه پژوهشی انگیزشی عبارتند از: انگیزش فیزیولوژیکی، انگیزش بیرونی و درونی، انگیزش شناختی، تفلوتهای فردی و هیجانها (ترجمه سید محمدی ۱۳۷۶) دیدگاه فیزیولوژیکی بیانگر نگرش زیست شناختی به انگیزش است. انگیزش بیرونی به مطالعه دیدگاه رفتارگرایانه انگیزش می پردازد. رفتارگرایی وجود علت‌های درونی رفتار را ناکافی دانسته و مدعی هست که علت اساسی رفتار را باید در بیرون و نه در درون شخص جستجو کرد مثلاً طبق این نظریه پول و پاداشها و تهدیدهای تنبیه، همگی منابع بیرونی بوده و چرایی رفتار را توضیح می دهد.

در انگیزش درونی طرفداران آن به فعالیت ذاتی انسان معتقد بوده و نیازهای روانشناسی، نیازهایی نظیر شایستگی و کنجکاوی را مهم دانسته و بر آن تاکید می کنند.

انگیزش شناختی: دیدگاه انگیزش شناختی به مطالعه و شناخت علت‌های درونی رفتار تاکید می کند طبق این دیدگاه عوامل تعیین کننده انگیزش و هیجان، افکار و فرایندهای ذهنی هستند

تفاوت‌های فردی: تفاوت‌های فردی در بین انگیزه های خاصی نیز وجود دارد.

هیجانها: هیجانها از بسیاری از جهات طبقه خاصی از انگیزش هستند (مثل پرخاشگری و رفتار خشمگرا) ، هیجانها پدیده های چند وجهی اند. هیجانها تا اندازه‌های حالت‌هایی عاطفی ذهنی هستند. هیجانها باعث می شوند تا به شیوه خاصی احساس کنیم و در ضمن پاسخهای زیستی نیز هستند.

انگیزه های درونی و بیرونی:

نظریه پردازان و محققان انگیزش انسانی به دو نوع کلی از انگیزش یعنی درونی و بیرونی اشاره کرده اند (دسی ۱۹۷۵، دسی ریان ۱۹۸۵ لیبر و گرین ۱۹۸۷)

مالون، دلپر ۱۹۸۷ به نقل از اسپادینگ در ۱۹۲۴) انگیزش‌های بیرونی زمانی وجود دارد که افراد به وسیله پیامدی که خارجی است و یا از لحاظ کارکردی مربوط به فعالیتی است که در آن درگیر می شوند بر انگیزته می شوند. در مقابل انگیزش بیرونی، انگیزش درونی وجود دارد بدین معنی که شخص برای انجام موفقیت آمیز تکالیف خود تمایل درونی دارد خواه برای آن ارزش بیرونی وجود داشته باشد یا نداشته باشد. باید توجه کرد که انگیزش در خود دانش آموز وجود دارد نه در درسها و مواد درسی مهم .

انگیزه های درونی:

این انگیزه ها اشاره به عوامل محتوایی داشته و ذاتا در خود وظیفه و یا در وجود شاگرد نهفته اند. از آنجا که انگیزه های کاوشگری و کنجکاوی در انسان ذاتی است می توان گفت که این انگیزه های درونی زیر بنای بسیاری از نظریه های جدید آموزشی هستند که به امر فعالیت و اکتشاف شاگرد توجه دارند (نوروزی، تیموری ۱۳۷۷)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

انسان حادثه ای را می بیند و به آن کنجکاو می شود و در پی علت حادثه و چگونگی وقوع آن بر می آید و تا حد امکان در زمینه آن اطلاعات کسب می کند، فیلمی را تماشا می کند بدون اینکه برای او پاداش یا سودی حاصل گردد. ولی شاید ساعتها بعد خود را برای تماشای فیلمهای جنجال برانگیز صرف می کند، دانش آموزی ساعتها در گوشه یک اتاق مینشیند و به مطالعه می پردازد و هر روز بر فعالیت مطالعاتی خود می افزاید و از منابع مختلف استفاده می برد تا بتواند آن فطرت کمال جویی خویش را غتی نماید، همه موارد بر خواسته از ویژگیهای درونی و ذاتی انسان می باشد .

انگیزه های بیرونی

این انگیزه ها اشاره به عوامل زمینه ای داشته و توسط معلم و سایر عوامل خارجی بر وظیفه و یا بر شاگرد تحمیل می شوند معمولاً انگیزه های بیرونی یکی از اشکال تشویق یا تنبیه به خود می گیرند. مارشال ریو معتقد است که مطالعه انگیزش بیرونی در اطراف سه مفهوم اصلی پاداش، تنبیه کننده ها و مشوق ها دور می زند، یک ((پاداش)) موضوع جذابی است که در پایان زنجیره رفتار واقع می شود و احتمال وقوع دوباره آن را افزایش می دهد، تأیید چک پرداختی و نشانه های پیروزی موضوع های محیطی هستند که بعد از گفتن متشکر ۴۰ ساعت کار در هفته و انجام دادن مهارتهای ورزشی واقع می شود بعلاوه دریافت کننده تأیید چک پرداختی یا نشان پیروزی چنین رفتاری را با احتمال بیشتری تکرار می کند تا فردی که این موضوع محیطی را برای ادب و نزاکت، کار یا تمرین خود دریافت نمی دارد (ترجمه سید محمدی ۱۳۷۶) مشوق موضوعی محیطی است که فرد را برای پرداخت به یک زنجیره رفتار جذب و یا دفع می کند، مشوقها قبل از رفتار واقع می شوند و موجب انتظار پیامد های جذاب یا بیزار کننده در شرف وقوع می شوند. تفاوت عمده پاداش و تنبیه ها با مشوقها در این است که پاداشها و تنبیه ها معمولاً بعد از رفتار انجام میشوند و موجب افزایش یا کاهش رفتار میگردد ولی مشوقها قبل از رفتار اجرا می گردند و باعث تقویت رفتار می شوند.

بر اساس تحقیقاتی که (مارشال ریو ۱۹۹۷ ترجمه سید محمدی ۱۳۷۶) به عمل آورده است یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده در مورد ایجاد انگیزه های درونی یا بیرونی و اینکه دانش آموزان به صورت انگیزش درونی یا بیرون اد می گیرند خود معلم است، معلمان از طریق مدیریت کلاسی یا محیط کلاسی، خود گردان عمل می کنند(به صورت درونی بر انگیزنده) و یا آنرا به صورت کنترل شده در می آورند (به صورت بیرونی بر انگیزنده) بر اساس تحقیقات (دسی، شوارتز، شین من، و رویان) معلمانی که نسبتاً به خو گردانی گرایش دارند، دانش آموزانی دارند که بیشتر به صورت درونی بر انگیزنده می شوند(کنجکاو، چالشهای بیشتری را انجام میدهند، تلاش بیشتری را برای مهارت آغاز می کنند) و ادراک شایستگی بیشتری را گزارش میدهند تا معلمانی که نسبتاً به کنترل گرایش دارند بنابراین انگیزه های درونی و بیرونی در میزان یادگیری دانش آموزان مؤثر می باشد اما برای ایجاد شایستگی های بیشتر، کسب مهارتهای لازم انگیزش درونی بسیار مؤثرتر است.

انگیزش و تحصیل

وقتی که با معلمان با تجربه و موفق در مورد ویژگی های تحصیلی دانش آموزان خوب صحبت می شود و نظر آنان را در این رابطه می خواهند معمولاً به خصوصیات نظیر سختکوشی، همکاری، علاقه مندی به تحصیل، مطالعه عمیق و دقیق مطالب درسی و غیره اشاره دارند بعضی از آنان این ویژگی را به داشتن انگیزه تحصیلی خوب منحصر می کنند، معنی عبارت فوق این است که دانش آموز خوب بر انگیزنده می شود تا تکالیفش را خوب و به طور کامل انجام دهد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

اسپالدینگ معتقد است بسیاری از معلمان از دانش آموزان سخت کوشی صحبت می کنند که ترم تحصیلی را آهسته ولی پیوسته به پایان می رسانند و در مقابل معلمانی هستند که دائماً از دانش آموزان زرنگ شکایت می کنند که از استعداد خود عاقلانه استفاده نمی کنند اگر به معلمان اجازه داده شود که از دو کلاس زیر یکی را به میل خود انتخاب کنند اکثر آنها کلاس نخست را می گزینند. کلاسی که دانش آموزانی با انگیزه بالا و هوش پایینی و متوسط دارند و کلاسی که دانش آموزانی با هوش بالا، سطح انگیزشی متوسط دارند. از توضیحات بالا چنین استنباط می گردد که انگیزه عامل اصلی و پایدار پیشرفت تحصیلی محسوب می گردد (یعقوبی و خوشخلفی ۱۳۷۷) و معلمان بیشترین ارزش و اعتبار را به افرادی قائل هستند که دارای انگیزه قوی تحصیلی هستند از بین دانش آموزانی که هوش بهره بالایی دارند و دانش آموزانی که انگیزه قوی تحصیلی دارند معمولاً دارندگان انگیزه قوی تحصیلی را انتخاب می نمایند. (ترجمه یعقوبی و خوشخلفی ۱۳۷۷)

یادگیری:

برای یادگیری تعریفهای مختلفی وجود دارد که هر یک از آنها جنبه های خاص از فرایند یادگیری را در بر می گیرد ولی جامع ترین و کامل ترین تعریف از دیدگاه هیلگارد و مارکویز (۱۹۶۱) عبارت است از ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یاد گیرنده مشروط بر آنکه این تغییر بر اثر تجربه رخ می دهد.

یادگیری در هر کاری که انسان انجام می دهد نقش دارد هر وجهی از رفتار فرد به تجارب یادگیری او بستگی دارد. ویژگیهای روانی دیگر نظیر گرایشها، نظام ارزشها مهارتها... با امر یادگیری پیوند دارند.

گانیه (۱۹۷۷) می گوید: یادگیری عبارت است از تغییری که در آن توانایی انسان ایجاد می شود و برای مدتی باقی می ماند که نمی توان به سادگی به فرایند های رشد نسبت داد (به نقل از سیف، فتحی آذر ۱۳۷۳) می گوید: اخذ دانش، مهارتها و نگرشها و روشی که باعث تغییر این عوامل در انسان و تحولی را در او به وجود می آورد سر و کار دارد، بنابراین یادگیری پدیده ایست تغییر در رفتار را سبب می شود اما باید توجه داشت که یادگیری به طور مستقیم قابل مشاهده نبوده بلکه از طریق رفتار استنتاج می شود. اولین تغییر رفتار علائم و نشانه هایی هستند که از تحقیق یادگیری حکایت دارند، پس در تعریف یادگیری سه معیار: ۱- تغییر رفتار و توانایی فرد در انجام یک کار خاص. ۲- اکتسابی و تجربی بودن آن. ۳- استنتاج از طریق رفتار نسبتاً دائمی، مد نظر قرار می گیرد به عقیده سیف (۱۳۶۷) یادگیری اساس و پایه مهم رفتار است. با عنایت به دیدگاههای فوق بدست می آید که یادگیری عبارت است از تغییر رفتار نسبتاً پایدار که به طور اکتسابی و تجربی بدست می آید

آموزش و یادگیری:

مقوله مهم یادگیری به تغییر رفتار تأکید می کند که این امر یک رویداد کاملاً درونی است که ممکن است اثرات آن بعنوان رفتار مشاهده گردد و یا در مغز ذخیره شده و هرگز در رفتار ظاهر نشود. آموزش به فعالیتهای هدفدار معلم که برای ایجاد یادگیری به صورت کنش متقابل بین معلم و یادگیرنده جریان می یابد اطلاق می شود (سیف ۱۳۷۳)

به عقیده وی بین یادگیری و آموزش تفاوتی وجود دارد، یادگیری همیشه معطوف به یادگیرنده است اما آموزش مستلزم فعالیت متقابل بین حداقل دو نفر (معلم و یادگیرنده) است البته معنی این مطلب آن نیست که یادگیری و آموزش دو فرآیند نامربوط هستند در واقع این دو به هم وابسته اند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

یادگیری هدف است و آموزش وسیله رسیدن به هدف. اما با وجود این وابستگی آموزش و یادگیری دو فرایند مستقل هستند و می توانند دارای پژوهشها و نظریه های مستقل باشند. نظریه یادگیری صرفاً به پدیده یادگیری می پردازد یعنی آن تبیین کننده چگونگی یادگیری و توصیف کننده شرایطی است که یادگیری در آن صورت می گیرد. اما نظریه آموزشی پیش بینی کننده و کنترل کننده راههایی است که در آن رفتار یک فرد (معلم) بر فرد دیگر (دانش آموز) اثر می گذارد (سیف ۱۳۷۳)

یادگیری در آموزش و پرورش:

در فرآیند یادگیری آموزش و پرورش درون داد، خیل عظیمی از دانش آموزان و فراگیرانی است که در یک محیط کاملاً باز تعامل دارند که علاوه بر عوامل مختلف اجتماعی مانند فرهنگ رسانه های گروهی، انگیزه های تحصیلی و عوامل مؤثر و مستقیم یادگیری نیز مثل معلم، کتابهای درسی، وسایل کمک آموزشی و شیوه های آموزشی نقش عمده ای در یادگیری بهتر ایفا می نمایند و بی شک اثر بخشی عوامل مؤثر در کلاس کیفیت برونداد و اندازه تغییرات حاصله در آن (دانش آموزان) تغییر خواهد داد، برای اینکه میزان اثر بخشی عوامل آموزشی را بهتر بسنجیم می بایستی در ابتدا رفتار و رویداد دانش آموزان را ارزیابی نموده و آموزش های جدید را بر مبنای پایه تحصیلی افراد ارائه نمائیم. به نظر سیف رفتار ورودی به آمادگی فرد برای یادگیری هدفهای آموزشی اشاره می کند، به سخن دیگر، آنچه را یادگیرنده قبلاً آموخته است برای یادگیری مطلب تازه پیش نیاز محسوب می شود و نیز تجارب مثبت و منفی حاصل از آموخته های قبلی او را که در یادگیری مطلب تازه مؤثرند رفتار و ورودی او می نامیم.

آغاز و انجام فعالیت آموزشی با اصطلاحات رفتار و رویداد رفتارهایی مشخص میشدند یعنی جایی که برای یادگیرنده فعلاً قرارداد رفتار ورودی او به حساب می آید و جایی که او را برسانیم (هدف نهایی) رفتار نهایی او نامیده می شود. به نظر گلنیز و رینالدز ۱۹۶۶ع رفتار ورودی جانیست که آموزش از آنجا آغاز می شود و رفتار نهایی جانی است که آموزش در آنجا پایان می یابد، رفتار ورودی را عملکرد ورودی نیز می توان نامید زیرا معلم در تغییر آمادگیهای یادگیرندگان باید به عملکردهای آنان در رابطه با آموزشهای قبلی مراجعه کند. مسئله آمادگی دانش آموز هر چند بدیهی فرض شود بسیار حائز اهمیت است. (سیف ۱۳۷۳)

کتابهای درسی که اساسی ترین وسیله دانش افزایی و عامل شکوفایی استعدادهای دانش آموزان می باشند بر اساس یک روال منطقی تدوین شده اند به طوری که (سیف ۱۳۷۳) در مورد کتابهای درسی و تأثیر آن در یادگیری چنین می گوید: «مطالب درسی مدارس معمولاً به نحوی برنامه ریزی می شوند که از ساده به دشوار به دنبال یکدیگر قرار می گیرند و یادگیری هر یک از آنها مستلزم یادگیری قسمتهایی از مطالب قبلی است، این امر مخصوصاً در درسی است که موضوعهای آنها توالی منطقی دارند چون ریاضی و علوم بیشتر صادق است.

پس یکی از عوامل مهم یادگیری وجود رابطه منطقی بین کتابهای درسی و در کتابهای درسی نیز بین موضوعات و مطالب کتابها می باشد که این امر یادگیری مطلب را تسهیل مینماید.

اما آنچه از تدریس، آموزش و یادگیری کتابهای درسی در طی دوره آموزش به دست می آید عبارت است از شکوفایی استعداد، خلاقیتها، اندیشه ها و در نهایت ایجاد تغییرات اساسی در نسل جوان برای زندگی خوشایند و دلپذیر و هماهنگ با تغییرات سریع در تکنولوژی و علوم و صنعت است به طوری که در بند دوم قانون اساسی آمده است «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN



های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان ضرورت دارد.» قانون اساسی جمهوری اسلامی (۱۳۶۱)

به نظر نقیب زاده (۱۳۷۶) هدف نهایی آموزش و پرورش از تعلیم مطالب درسی عبارت است از اینکه توانایی فهمیدن و پیوند دانستنیها و در نهایت درک قاعده ها و قانون ها را تسهیل نماید و استعدادهای درونی و طبیعی انسان شکوفا بشود. به عقیده راسل چگونگی جهانی که در آن زندگی می کنیم وابسته است به چگونگی ما و این نیز در گرو تربیت است. چرا که انسان به هنگام زادن نه خوب است و نه بد.

آنچه در اوست از یک سو بازتابی است و از سوی دیگر سرشتی نامعین، تربیت (آموزش و پرورش) و تأثیرهای گوناگون محیط است که به این مایه خام شکل می دهد، منشهای گوناگون، نیک و بد و سرانجام نیک بختی و بدبختی پدید می آید .

به هر حال این آموزش و پرورش است که با سرمایه های انسانی (معلم و مربی) و مادی خویش یادگیریهای انسان را با شیوه های مناسب شکل داده و هدایت می نماید به طوری که اگر آموزش و پرورش بتواند کار آمدی در اثر بخشی خوبی داشته باشد برون داد آن که عبارت است از کلیه فارق التحصیلان نظام آموزشی، خواهند توانست افکار و اندیشه های خود را در زمینه های مختلف علمی، صنعتی، فرهنگی و هنری بکار بسته و تغییرات اجتماعی را در جهت رفاه جامعه و خود هدایت نموده و به خدمت گیرند .

عوامل موثر در یادگیری :

شریعتمداری (۱۳۷۷) در مورد عوامل موثر در یادگیری به مواردی اشاره دارد که به طور خلاصه ذکر می گردد.

۱- آمادگی : توراوندیک آمادگی را شرط اساسی یادگیری میداند برای اینکه فردی مطلبی را فرا گیرد بایستی آمادگی داشته باشد منظور از آمادگی دارا بودن رشد کافی در زمینه های مختلف است و مطالب درسی باید متناسب با سطح آمادگی شاگردان ارائه شود والا جز اتلاف وقت و ایجاد ناراحتی حاصلی نخواهد داشت پاره ای از آزمایشها نشان میدهد که سرعت یادگیری در زمانی که فرد آماده فرا گرفتن امر معینی است بیشتر از مواقعی است فرد فاقد آمادگی است.

۲- تجربیات قبلی : تجربیات قبلی پایه و اساس فهم و بصیرت ادراک جسمی یادگیری است آمادگی فرد نیز در حد وسیعی تحت تاثیر تجربیات قبلی او قرار دارد این امر در نظریه پیاژه به عنوان جذب و تطابق عنوان گرفته است که سیف (۱۳۷۳) از آن به عنوان فرایند سازگاری به دو صورت جذب و تطابق انجام می گیرد. جذب مستلزم بروز پاسخی است که از پیش کسب شده است مثلاً وقتی کودک پستانی را میمکد انرا به فعالیت مکیدن که از پیش می دانسته جذب میکند از نظره روانشناسی پیاژه جذب وقتی صورت میگیرد که شخص مطلب تازه ای را بر حسب مطالب آشنا ببیند. توجه به تجربیات قبلی شاگرد در مدرسه شرط اساسی موفقیت در کارهای تربیتی و آموزشی است. در تهیه برنامه مدرسه و انتخاب مطالب درسی باید تجربیات قبلی شاگردان را در نظر گرفت.

۳- موقعیت یادگیری : موقعیت یادگیری را به دو گونه استعمات نمودند. گاهی موقعیت یادگیری را به عوامل و شرایطی اطلاق میکنند که در جریان تاثیر دارد مانند نور - هوا- طرز نشستن وسعت محل و مانند اینها و عوامل غیر مادی مانند طرز تفکر و تمایل یادگیرنده احساس تمایل معلم و شاگرد و ... که معلم باید کلیه عوامل موثر در جریان یادگیری را در نظر گیرد و آنچه را که مانع اجرای صحیح



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

است از میان بردارد در این صورت جریان یادگیری به صورت حل مسئله در می آید که باید مسئله مورد بحث با آمادگی - استعداد احتیاج و تمایل یادگیرنده تناسب داشته باشد.

۴- فعالیت یادگیرنده: فعالیت از یک جهت شامل حرکات بدنی اقدام برای حل مسئله و کنجکاوی و بررسی محیط می باشد که در آن معنا شاکرد میل دارد خود را به کار اندازد و امور مختلف را بررسی کند از جهت دیگر یادگیری خود عملی است و اجرای آن بدون فعالیت صورت نمی گیرد .

۵- محرک: یادگیری مانند سایر اشکال رفتار معلول محرک یا محرکهائی است همان طور که منشاء رفتار افراد را احتیاجات اساسی آنها تشکیل میدهد در یادگیری نیز نیازمندیهایی اساسی را به عنوان محرک فرض می کنیم که میل و رغبت جز محرکهای اساسی در یادگیری است.

۶- انتقال: وظیفه عمده موسسات تربیتی آماده کردن افراد برای برخورد با مشکلات است. در مدرسه نه تنها فرد طرز برخورد با مشکلات و نحوه پیدا کردن راه حل را می آموزد بلکه مطالبی را که به وسیله آنها مشکلات زندگی را باید حل کند فرا گیرد. استفاده از مطالب علمی و بکار بردن آنها را در برخورد با مسایل انتقال کویند.

شرایط یادگیری

شرایط یادگیری از جمله عوامل مهم انگیزشی و یادگیری در آموزش تلقی می شود رابرت گانیه(۱۹۱۶) شرایط یادگیری را به دو دسته تقسیم میکند. ۱- شرایط درونی ۲- شرایط بیرونی

الف) شرایط درونی: گانیه برای یادگیری درونی پنج قلمرو عمده در نظر می گیرد که عبارتند از: ۱- مهارتهای فکری و حل مسایل ۲- اطلاعات ۳- راهبردهای شناختی ۴- نگرشها ۵- مهارتهای حرکتی.

مهارتهای حرکتی وی برای آموزش قلمرو فوق الذکر شیوه های متفاوتی را پیشنهاد میکند. و معتقد است که هر کدام از آنها دارای نیازمندیها- مهارتهای لازم و روشهای شناختی خاص می باشد. که گانیه این شرایط خاص را شرایط درونی یادگیری می نامد. در واقع توانمندیهای موجود یادگیرنده را تشکیل می دهد که به صورت گنجینه معلومات در حافظه فرد اندوخته گردیده است.

ب) شرایط بیرونی: یکی دیگر از شرایط مهم یادگیری شرایط بیرونی است. که محرکهای محیطی مواد درسی- طرز تدریس معلم- شرایط و انتظارات خانوادگی مانند اینها را در برگیرد که عواملی هستند که در پیشرفتهای آموزشی شاکردان موثرند و برای توفیق آموزشی باید هر دو آنها را در نظر بگیریم.

عناصر مهم یادگیری

جریان یادگیری فرایندی است که در طی این فرایند بایستی عناصر و عواملی دخالت داشته باشند در مدت یادگیری که تغییر در رفتار حاصل آن است اخذ تجربه موجب فراگیری توانایی جدیدی می شود به نظر کرانباخ (۱۹۷۲) در جریان یادگیری هفت مفهوم اساسی یا به عبارت بهتر عنصر عمده دخالت دارند که به ترتیب عبارتند از:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

- ۱- **موقعیت:** شامل همه اشیا - اشخاص - و نشانه هایی که در پیرامون یادگیرنده وجود دارد موقعیت فرصتی است برای ارضای خواهشها فراهم می آورد و ارضای خواهشها از راه انتخاب پاسخ مناسب ممکن است.
- ۲- **خصوصیات شخصی:** خصوصیات شخصی مشتمل بر همه توانایی ها و پاسخ های متعارف شخصی که در هر موقعیت در اختیار او قرار دارند. گفته اند خصوصیات مورد نیاز برای فایده بردن از تجربه یادگیری امادگی شخصی را برای اخذ تجربه تشکیل می دهند.
- ۳- **هدف:** هدف یادگیرنده نتیجه ای است که او میل دارد بدست آورد. هدف عبارت است از امکانی که شخص در هر موقعیت ادراک می کند و انتظار دارد که برایش خرسند کننده باشد. کوشش ادمی متوجه هدف است بنابراین مسئله انگیزش عبارت است از یاری کردن به یادگیرنده برای مشاهده هدف در موقعیت هدفی که شخص می خواهد و فکر می کند که می تواند به آن دست یابد.
- ۴- **تفسیر:** عبارت است از عطف دقت به اجزایی از موقعیت مربوط ساختن مشاهدات کنونی با تجارب گذشته و بیش بینی این که کردار به چه نتایجی منتهی خواهد شد. تفسیر جزئی از پاسخی است که به موقعیتی داده می شود.
- ۵- **کردار:** یعنی جنبش ها و گفتارها که اجزای قابل مشاهده پاسخ را تشکیل می دهند شخصی از میان کردارها ممکن انرا برمیگزیند که انتظار دارد مطلوب ترین عواقب را برای او بار آورد.
- ۶- **نتیجه:** ممکن است نتیجه انتظارات شخص را تایید کند. در این صورت احتمال دارد که ادمی در موقعیتهای بعد تفسیری مشابه بکار برد. معلمی که به یادگیرنده یاد می دهد تا درباره کردار خود داوری کند باید یقین داشته باشد که او عواقب کردار خود را به دقت می بیند.
- ۷- **واکنش به واخوردگی:** واخوردگی وقتی روی می دهد که شخص از رسیدن به هدف عاجز آید. ممکن است واکنش ادمی به این درماندگی واکنش انطباقی باشد یعنی امکان دارد به تفسیر نو بپردازد و باسرخش را به شیوه ای معقول تغییر دهد. اینگونه رفتار انطباقی معمولاً نتیجه ای مطلوبتر به بار می آورد (ترجمه رضوی (۱۳۵۱)).

یادگیری بهتر و دیدگاهها

در زمینه امادگی دانش آموزان برای یادگیری بهتر و تاثیر گذاری شیوه های یاددهی شریعتمداری (۱۳۷۷) معتقد است که سرعت دانش آموزان در زمانی که فرد آماده فرا گرفتن امر معین است بیشتر از مواقعی است که فرد فاقد امادگی کافی برای یادگیری است. این امادگی بایستی با نحوه مدیریت کلاس و تدریس معلم ایجاد شود به عبارت دیگر معلم تدریس مطالب جدید را به شیوه ای آغاز می کند که کاملاً در فرد امادگی لازم برای یادگیری ایجاد شده است در چنین شرایطی است که معلم می تواند با شرکت دادن اینگونه دانش آموزان در فعالیتهای متنوع اسباب پیشرفت آنها را فراهم کند.

به منظور تحقق شرایط فوق الذکر استفاده از شیوه های خودکار امدی برای تعمیق و تسهیل آموزش و یادگیری ضروری به نظر می رسد رامشه (۱۳۷۷) در زمینه خودکار امدی اظهار می دارد که برای افزایش عملکرد تحصیلی دانش آموزان با استفاده از مفهوم خود کار امدی می توان هم خودکار امدی دانش آموزان و هم خودکار امدی معلمان را افزایش داد. اشتن (۱۹۸۴) اعتقاد دارد معلمان که



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN



دارای خودکار امدی بالایی هستند به خود و تدریس خود نگرش مثبت دارند و این احساس را دارند که نقش مهمی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارند (به نقل از رامشه ۱۳۷۷)

یافته های پژوهشی داخل کشور:

بررسی نقش انگیزش و راهبردهای معلمان و دانش آموزان در عملکرد ریاضیات دانش آموزان سال سوم راهنمایی شهرستان تبریز در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۱۳۷۶

سید محمد حسین رامشه ناظر طرح سید داود حسینی نسب دیماه ۱۳۷۷)

نتایج این پژوهش عبارتند از:

- ۱- از مجموع یافته ها می توان نتیجه گرفت که خودپنداری ریاضیات یعنی دید جامع فرد به توانایی خود در یادگیری مفاهیم ریاضیات و این پیش بینی که چقدر می توان از دانش ریاضی در آینده استفاده کرد از عوامل مهم تعیین موفقیت در ریاضیات است.
- ۲- دانش آموزان ضعیف در ریاضیات برای یادگیری خود شناخت کمتر دارند آنها راهبردهای حل مسئله را نمی دانند و کارهای آنان بیشتر بر مبنای کوشش و خطاست. آموزش راهبردهای یادگیری به ویژه راهبردهای فرا شناختی در حل مسئله ریاضی می تواند عملکرد ریاضیات این دانش آموزان را بهبود بخشد.
- ۳- یافته های این تحقیق دال بر این نیست که بین مولفه های انگیزش ریاضیات و راهبردهای یادگیری همبستگیهای معنی داری وجود دارد توضیح اینکه آموزش راهبردهای یادگیری بدون توجه و انگیزش دانش آموزان اقدام به آموزش راهبردهای یادگیری کرد و یا نمی توان در دانش آموزان ایجاد انگیزه کرد بدون آنکه به آنان یاد دهیم چگونه از این انگیزه استفاده کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر باهدف بررسی راهکاری ایجادانگیزه در آموزش ویادگیری دانش آموزان می باشد که محقق برای جمع آوری اطلاعات از روش توصیفی و کتابخانه ای استفاده نموده است

نتیجه گیری:

با شناسایی مفهوم انگیزش و عوامل ایجاد کننده انگیزه و تاثیر آنها بر فرآیند یادگیری و یاد دهی، دست اندر کاران نهاد مقدس تعلیم و تربیت را در طرح ریزی ها و برنامه ریزی ها را یاری خواهد داد تا راههای مناسبی انتخاب کنند و با تنظیم برنامه های مطلوب آموزشی از به هدر رفتن سرمایه های ملی جلوگیری نموده و با ارتقاء سطح دانش و آگاهی افراد جامعه که عمدتاً نسل جوان و نو جوان می باشد ایفاء وظیفه نمایند. این پژوهش راه های ایجاد انگیزه جهت یادگیری بهتر در دانش آموزان را از دو دیدگاه دانش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN



آموزان و معلمان مورد بررسی قرار داده است و هدف تحقیق شناخت راههای بهتر یادگیری و ایجاد انگیزه بیشتر در فراگیران و همچنین شناخت میزان رابطه بعضی از متغیرهای اثرگذار در یادگیری است.

پیشنهادات:

- ۱- به دانش آموزان ضعیف فرصتهای فراوانی جهت مشارکت در کلاس بدهند.
- ۲- به دانش آموزان اجازه دهند تا درباره احساسات خود حتی در مورد موارد غیر درسی سخن بگویند.
- ۳- مقررات روشن و واضح برای دانش آموزان در نظر گرفته شود.
- ۴- به شیوه حل مسئله و فرایند آن تاکید شود به دانش آموز راهکار حل مسئله را یاد بدهند و از او راهکارها را بخواهند نه اینکه فقط جواب مسئله را

منابع:

- ۱- امیر تیموری ، محمد حسینی ، آموزش و یادگیری در کلاس ، ۱۳۷۸ به نقل از فصل نامه مدیریت شماره ۲۲ ، تابستان ۱۳۷۸ .
- ۲- وین ک. هوی وسیسل ج. میسکل ، تئوری ، تحقیق و عمل در مدیریت آموزشی ، ترجمه دکتر میر محمد سید عباس زاده- انتشارات ارومیه .
- ۳- دلاور، علی مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی ، تهران ، انتشارات رشد ، ۱۳۷۴ .
- ۴- دلاور علی ، روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی و تهران ، نشر و ویرایش ۱۳۷۷ .
- ۵- سیف علی اکبر ، (۱۳۷۳) ، روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزشی) تهران نشر آگاه .
- ۶- شریعتمداری علی ، روانشناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۷ .
- ۷- فریاد ، اکبر ، رخشان ، فریدون. یادگیری تبریز انتشارات نیما ۱۳۶۹ .
- ۸- فتحی آذر اسکندر ۱۳۷۲ ، تدریس و یادگیری از دیدگاه تبریز، شناخت گرائی، فصلنامه تعلیم و تربیت مرکز تحقیقات آموزشی، سال نهم شماره ۱ بهار ۱۳۷۲ .
- ۹- مارشال ربو، جان. انگیزش و هیجان ، ترجمه یحیی سید محمدی ، تهران ، موسسه نشر پیرایش ۱۳۷۶ .
- ۱۰- میرزائی، محمد و احمدوند ، خسرو ، ویژگیهای دانش آموزان موفق و ناموفق دوره راهنمایی تحصیلی تهران. دفتر آموزش ابتدایی و راهنمایی، زمستان ۱۳۷۰ .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

- ۱۱- مقصود حمدی پور، ۱۳۷۹)) بررسی راههای ایجاد انگیزه در دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی .))
- ۱۲- حسین، رامشه، بررسی نقش انگیزش و راهبردهای معلمان و دانش آموزان در عملکرد ریاضیات دانش آموزان سال سوم راهنمایی تبریز ۱۳۷۷ .
- ۱۳- خدا پناهی، محمد کریم، هیجان و انگیزش، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران ۱۳۷۶